

# فرایند تحول در حقوق زنان

رضوان نیری  
پژوهشگر علوم اجتماعی

چکیده:

این کتاب از معدود آثار حقوقی مربوط به زنان است و در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول تفکر اسطوره‌های درباره زنان را در میان تمدن‌های مختلف شرح می‌دهد. در بخش دوم مبارزه علیه تابوهای جنسی و تابوهای اجتماعی و نیز نخستین موفقیت فمینیستی در فرانسه تشریح می‌شود و آخرین بخش کتاب به حقوق زن در کشورهای مختلف، طی دهه‌های آخر قرن بیستم می‌پردازد.

بن سعدون در این کتاب حقوق زن را در بعضی از تمدن‌ها از زمان‌های بسیار دور تاکنون می‌کاود. زیرا به زعم وی، شناخت ملت‌ها تنها از راه شناخت تاریخ آنان میسر است و برای درک وضعیت حقوق زن در اواخر قرن بیستم باید منابع حقوقی بررسی شود.

نای بن سعدون تلاش کرده است تا سیر تحول زندگی زنان از یونان و روم باستان تا زمان حاضر در اروپا، خاور دور، امریکا، کانادا و بعضی کشورهای آسیایی و آفریقایی را بررسی کند. وی از لابه‌لای افکار و عقاید گذشته و حال، فرایند تحول و پیشرفت زنان را در دستیابی به حقوق خویش و نمایاندن شخصیت انسانی‌شان نشان می‌دهد.

بن سعدون سیر تحول تاریخی حقوق زن را از زمان‌های بسیار قدیم و در تمدن‌ها و ادیان مختلف اجمالاً بررسی می‌کند: «ها کوشش خواهیم کرد حقوق زن را در بعضی تمدن‌ها از ازمنا بسیار قدیم تاکنون، تجزیه و تحلیل کنیم، به ترتیب قانون حمورابی، زن در تورات و انجیل، زن در دوران ماندرین‌ها (چین باستان)، زن در یونان باستان، زن در امپراتوری روم، زن و حقوق شرعی با مطالعه روی اسطوره بکارت و زن قدیس، نفوذ انجیل (نفوذ کتاب مقدس عهد جدید) و نفوذ مسیحیت روی حقوق زن، زن در اسلام و حذف زن از جانشینی بر حسب قانون و امر جانشینی در سلطنت زن در دوران رنسانس و اصلاح مذهبی، زن در زمان تزارها و در فرانسه از قرن هفدهم تا انقلاب فرانسه را مورد بررسی قرار خواهیم داد.» (ص ۳۲)

با روشی که بن سعدون اتخاذ می‌کند امکان مقایسه مختصر ولی نسبتاً جامع حقوق زن در ادیان مختلف فراهم آمده است. به ویژه با اشاره به مقام زن در اسلام دلیل می‌آورد که اسلام و قرآن توانسته است زن را انسان معرفی کند که در خلقت با مردان برابر است. وی اختصاص سوره‌های در قرآن را به نام

- حقوق زن از آغاز تا امروز
- نای. بن سعدون
- گیتی خورسند
- کویر
- ۱۳۷۹، ۱۶۰ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه



زنان (سوره نساء) نشانه جایگاه رفیع زن از نظر قرآن می‌داند. نویسنده در دو فصل بخش اول ماهیت و نتایج اسطوره‌های تحول حقوق زن را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که در تمام این دوره‌ها از گذشته دور تا قرن نوزدهم، حقوق زن محدود بوده است. اما همواره زنان استثنایی توانسته‌اند باهوش و پشتکار خود نشان دهند که همه راه‌ها برای ابراز شخصیت باز است.

به عقیده بن سعدون به رسمیت شناختن حقوق زن عملاً از قرن نوزدهم آغاز می‌شود و شروع این حرکت به مبارزه در برابر تابوهای جنسی و تابوهای اجتماعی باز می‌گردد.

توجه به نقش و موقعیت زنان در جامعه در واقع از زمانی آغاز می‌شود که او را انسانی غیرجدایی می‌دانند. یعنی شبیه مردان کسانی که فقط برای فرزندآوری و لذت بخشی به مردان خلق نشده‌اند. طرح مسائل جنسی و تاثیر آن بر رفتار مرد از سوی زیگموند فروید نقطه آغازی بر این نکته بود که زنان نیز در تمایلات جنسی و بروز رفتارهای خاص مانند مردان‌اند اما با روحی لطیف و حساس‌تر.

با کشفیات مهم پزشکی در قرن نوزدهم از جمله ثابت شدن نقش مساوی زنان در تولیدمثل و نیز سایر پیشرفت‌های علمی، عملاً آداب و رسوم اجتماعی دستخوش تغییر و تحول گردید. زنان دریافته‌اند که در جامعه تاثیرگذار هستند. لذا مبارزه آنان علیه بی‌عدالتی‌ها شکل جدیدی به خود گرفت و در کشورهای انگلوساکسون، کانادا و فرانسه عملاً از نیمه دوم قرن نوزدهم جنبش‌های فمینیستی که خواهان حق رای، حق

اشتغال و حق آموزش برای زنان بودند پا به عرصه وجود گذاشتند، و قله‌های پیروزی را یکی پس از دیگری فتح کردند. نویسنده نشان می‌دهد که جنبش زنان برای تحول حقوق اجتماعی‌شان به آرامی گام برمی‌داشت و تحولاتی را دنبال می‌کرد که راه را برای برنامه‌های آتی هموار سازد. اما هنوز با تساوی کامل بین حقوق زن و مرد فاصله زیادی وجود داشت. شاید یکی از علل حرکت کند جنبش‌های فمینیستی را بتوان در ریشه‌دار بودن عقیده عام تساوی در بین زنان جست‌وجو کرد. این عدم خودباوری در به انزوا کشیدن جنبش زنان بی‌تاثیر نبوده است. علاوه بر این برخورد مسالمت‌آمیز حکومت‌های دیکتاتوری در کشورهای مختلف از جمله کشورهای آمریکای لاتین با این حرکت‌ها در واقع از تعداد مخالفان خودکامگی و دیکتاتوری کم می‌کرد و با اعطای برخی از حقوق اجتماعی به زنان سرعت حرکت جنبش‌های فمینیستی کند می‌شود و تا مدتی از آشوب و بلوا خبری نبود. اما واقعیت امر این است که در دهه‌های اخیر در برخی از کشورها، تساوی حقوق زن و مرد به صورت یک واقعیت اجتماعی و قانونی درآمده است. البته در بعضی مناطق تساوی حقوق تنها در کتاب‌های قانونی وجود دارد (مانند چین) و هنوز به عنوان واقعیت اجتماعی نتوانسته جای پای خود را مستحکم کند. آنچه در جلول زیر می‌آید وضعیت حقوق زن در قرن بیستم را به صورت مقایسه‌ای نشان می‌دهد. اطلاعات جدول در بخش سوم کتاب، طی فصل‌های جداگانه‌ای آمده است که در اینجا برای سهولت مطالعه و

مقایسه وضعیت حقوق زن در کشورهای مختلف در طول قرن بیستم

کشور	موضوع	قوانین کلی (قانون اساسی)	ازدواج	طلاق	موقعیت اجتماعی و شغلی	سایر موارد
آلمان		● همه انسان‌ها در مقابل قانون برابرند. مردان و زنان دارای حقوق یکسان هستند. (قانون اساسی)	● تصویب نخستین (قانون حقوق ازدواج و خانواده) در ۱۹۷۱. ● اصل مساوات بین زوجین در اداره خانواده	● طبق حکم قاضی در صورت عدم امکان دوام ازدواج، گسست ازدواج و زندگی انفرادی زوجین	● زن می‌تواند فعالیت شغلی مشابه و در شرایط یکسان نسبت به همسرش داشته باشد ● زن حق تحصیل و آموزش حرفه‌ای دارد	● حضور ۳۹ نماینده زن در برابر ۵۱۸ نماینده مرد در هشتمین مجلس آلمان
بریتانیا		● تصویب لایحه قانون تبعیض جنسی در سال ۱۹۷۵ (تبعیض جنسی ناشی از مسائل اقتصادی و یا خدماتی غیرقانونی است). ● تصویب قانون دستمزد برابر در سال ۱۹۷۰ ● تصویب قانون مستمری تأمین اجتماعی و اعلام تساوی مستمری بین زن و مرد در ۱۹۷۵ ● تأسیس کمیته ایجاد فرصت‌های مساوی شغلی در ۱۹۷۵	● زن و مرد در حد امکانات همیاری را به یکدیگر مدیون هستند. ● حق انتخاب مسکن برای زوجین مساوی است.	● قانون دعاوی زناشویی، طلاق براساس دلایل پنج گانه از جمله ارتکاب زنا، شوهر، ترک همسر به مدت ۲ سال و... ● عدم پذیرش درخواست طلاق در اولین سال زندگی ● پرداخت نفقه پس از طلاق قابل واخواست است.	—	● قانون سقط جنین: مصوب ۱۹۶۷ ● شرایطی خاص که پزشک می‌تواند به موجب آن حاملگی را متوقف کند در صورت تأیید پزشک دیگری که دارای صلاحیت است، امکان دارد. ● شرایط شامل خطر سلامت مادر، احتمال نقصان نوزاد
ایتالیا		● تساوی حقوق میان زن و مرد به رسمیت شناخته شده است	● دارایی اکتسابی پس از ازدواج مشترک است. ● زن و شوهر باید حداقل ۱۸ سال سال داشته باشند.	● برای طلاق ۴ مورد منظور شده است: محکومیت کیفری، جدایی زوجین حداقل برای ۵ سال، تقاضای طلاق توسط یکی از زوجین خارج از کشور و نبود رابطه زناشویی	● حمایت قضایی از اشتغال زن تحت عنوان کار مساوی - حقوق مساوی	● تساوی حقوق فرزندان مشروع و نامشروع
سنگال		● تصویب قانون خانواده در سال ۱۹۷۲	● ازدواج دو نوع است: (۱- سنتی + ثبت ۲- مدرن در نوع اول توافق زن لازم است ولی بی‌اهمیت نزد مردم است. نوع دوم زوجین حق انتخاب دارند و در محضر نماینده ثبت حاضر می‌شوند. ● چند همسری در ابتدای ازدواج توسط مرد مشخص و معین می‌شود.	● زن در صورت پذیرش سنت مرد (مبئی بر چندهمسری) هرگز نمی‌تواند از آن عدول کند.	● علیرغم مواد قانونی رعایت حقوق هر فرد، تمامی حقوق والدین و بچه‌ها در اختیار پدر و همه حقوق قبیله در حیطه قدرت رئیس قبیله است.	● براساس آداب و رسوم آفریقایی حقوق زن منزلی ندارد.
چین		● ماده ۵۳ قانون اساسی: زن مانند مرد در تمامی عرصه‌ها از حقوق کامل برخوردار است.	● ملغی نمودن «ازدواج خرید و فروش» در سال ۱۹۵۰ ● غدغن نمودن ازدواج‌های مصلحتی و برنامه‌ریزی شده و از سوی والدین در سال ۱۹۸۰ ● نهادینه شدن تک همسری	—	● تساوی زن و مرد را در زمینه اشتغال قانون تضمین کرده است. ● آموزش زنان به منظور حل مشکلات ازدواج و فرزندانشان	● رواج ازدواج‌های خرید و فروش ● خیانت به زنان از جانب شوهران ● تنفر از زن بخشی از عرف جامعه است ● سقط جنین به شیوه‌های قانونی انجام می‌پذیرد
روسیه		—	● تصویب ازدواج غیر مذهبی در ۱۹۱۷ ● حداقل سن ازدواج زوجین ۱۸ سال	● جایز بودن طلاق با درخواست یکی از زوجین ● بدون توافق زن یاردار طلاق جایز نیست	● اشتغال زن به شغل مورد علاقه	● اشتراک اموال تحصیل شده پس از ازدواج ● تساوی حقوق فرزندان مشروع و نامشروع
ایالات متحده		● اعطای حق رأی به زنان در ۱۹۲۰	● انجام مراسم ازدواج در حضور نماینده ثبت احوال	● دلایل طلاق در ایالات متفاوت است. ● دلایل: (۱- ارتکاب خطا ۲- شکست ازدواج	● تصویب قانون حقوق مدنی در ۱۹۶۴ ● تصویب تحصیلات عالی در ۱۹۷۲ و تصویب قانون تساوی فرصت‌های استخدامی در ۱۹۷۳	● آزادی سقط جنین در ۱۹۷۳ ● تحدید سقط جنین در ۱۹۸۹ ● مشارکت شکل‌های ملی زنان در طرح ملی رئیس جمهور شامل پژوهش و برنامه‌ریزی درباره اشتغال زنان
کانادا		● اعطای حق رأی به زنان در ۱۹۴۰ ● در ایالات کبک	—	● تعیین جرایم غیرقابل اغماض که موجب طلاق می‌شوند از جمله خشونت جسمی یا روانی و خیانت	—	● در ۱۹۵۱ قانونی تصویب شد که به موجب آن زن سرخپوست با ازدواج با غیرسرخپوست از کلیه امکانات حقوقی و امتیازات مربوط به سرخپوستان محروم می‌شود. ● زن موظف است از شوهر در امر محل سکونت اطاعت نماید.
اسپانیا و کشورهای آمریکای لاتین		● اعطای حق رأی به زنان در ۱۹۳۱ ● اعطای حقوق مدنی به زنان (۱۹۶۱ - آرژانتین) ● تصویب حق طلاق در ۱۹۸۱ (اسپانیا)	—	● شرایط طلاق: ۱- محکومیت بدلیل قتل نفس ۲- گسست زندگی مشترک	● توجه به اصل و نسب پدری زن هنگام انتساب او به شغل	—
فرانسه		● تصمین قانونی حقوق برابر با مردان برای زنان در سال ۱۹۴۶ ● حق رأی برای زنان در ۱۹۴۴ ● پذیرش درخواست تابعیت زن ۱۹۷۳ ● عدم اخراج زن از کار طی دوران بارداری	● تعیین حداقل ۱۸ سال سن برای ازدواج ● لزوم توافق طرفین برای تعیین محل سکونت ● در صورت ازدواج، زن نام پدری خود را حفظ می‌کند. ● تمامی ثروت خانواده قبل و بعد از ازدواج به هر دو تعلق دارد.	● تقاضای طلاق از جانب وکیل به قاضی منحصراً ارایه می‌شود. (۱۹۷۵) ● شرایط طلاق: - تخطی از انجام وظایف زناشویی - گسست زندگی مشترک بطور مداوم طی ۶ سال	● انتخاب شغل بدون توافق ● زن صاحب درآمد و دستمزد خویش است. ● مساوات اقتصادی میان زن و مرد (۱۹۷۵) ● کار مشابه، دستمزد مشابه (۱۹۷۱) ● حق تقدم کارآموزی حرفه‌ای برای بیوه زنان و مادران مجرد ● پایین بودن دستمزد و امنیت شغلی برای کارهای زنانه ● محدودیت شانس پیشرفت کار برای مشاغل زنانه	● ورود ۳۳ زن به عنوان نماینده به مجلس موسسان ● مادران بچه‌های نامشروع از طرف قانون حمایت می‌شوند ● حمایت اجتماعی از زن تنها ورثه قانونی و نامشروع (زن قانونی و یا نامشروع) مالک بلا مانع اموال، حقوق و سهام مرد متوفا می‌شوند. ● به رسمیت شناختن اتحاد و زندگی آزاد زنان و مردان بصورت زوج با یکدیگر ● سقط جنین مشروع پذیرفته شده است.



## به رسمیت شناخته شدن حقوق زن، با مبارزه در برابر تابوهای جنسی و تابوهای اجتماعی آغاز می شود

### با اعطای برخی از حقوق اجتماعی به زنان در بعضی کشورها، سرعت حرکت جنبش های فمینیستی کند می شود

در حالی که مطالعات زیست شناختی نشان داده است که پسرها  
از همان کودکی ماهیچه هایی قوی تر از دخترها دارند،  
نویسنده تأکید دارد که میان مرد و زن تفاوتی از نظر قدرت بدنی  
وجود ندارد

۳- بن سعدون برای نشان دادن وضعیت حقوق زنان در اواخر قرن بیستم حدود نیمی از کتاب (۷۴ صفحه) را به بحث پیرامون حقوق زن در کشورهای مختلف اختصاص می دهد. انتخاب ده کشور از میان انبوه کشورهای دنیا پرسش هایی را برمی انگیزد. درست قبل از شروع این بخش نویسنده اظهار می کند که «در بخش های آینده حقوق زن را در کشورهای مورد بررسی قرار خواهیم داد که با بصیرت مقررات بدیع وضع کردند و حقوقی برای زنان قائل شدند که زمینه پیدایش شکفتگی کامل شخصیت آنان را فراهم می ساخت...» (ص ۸۶)

سؤال این است که آیا تنها ملاک انتخاب کشورها بصیرت آنها در وضع مقررات بدیع برای حقوق زنان بوده است؟ اگر چنین است، آیا بحث نکردن درباره حقوق زنان در سایر کشورها به معنای عدم بصیرت آنها در وضع قوانین است؟ آیا تنها همین ده کشور (نه کشور به طور مستقل و مجموعه چند کشور امریکای لاتین) زمینه پیدایش و شکفتگی کامل شخصیت زنان را فراهم ساخته اند؟ یا این که معیارهای دیگری وجود دارد که نویسنده آنها را ذکر نکرده است؟ سرانجام این که آیا قواعدی که این کشورها برای حقوق زنان وضع کرده اند منشاء تحول حقوق زنان در سایر نقاط دنیا بوده است و آیا این کشورها تصویر روشنی از حقوق زنان در اقصی نقاط جهان می دهند؟

نکته دیگر این که به رغم تلاش بن سعدون عدم هماهنگی و یکنواختی در مطالب و اطلاعات مطرح شده امکان مقایسه دقیق را در کشورهای بررسی شده فراهم نمی سازد. مثلاً در برخی کشورها به تحولات مبارزه زنان اشاره می شود در حالی که در مورد سایر کشورها کمترین بحثی صورت نمی گیرد. در برخی مناطق به نحوه مالکیت زن و یا حق نام گذاری پرداخته می شود در حالی که همین مورد در سایر کشورها مطرح نشده است. آیا پرداختن بن سعدون به موارد مشابه به معنای نبودن قوانین مشابه است یا حاکی از عدم دسترسی وی به منابع حقوقی این کشورهاست؟

۴- غیر از بخش های مربوط به مواد قانونی که منابع آنها اعلام شده است، در سایر مباحث با وجود ارائه اطلاعات متعدد، کمترین اشاره ای به مآخذ نشده است. لذا در استفاده از مطالب ذکر شده باید محتاط بود.

انجام می دهد که مستلزم توانایی جسمانی بیشتر است، کلیسای عظیم و پل ها و جاده ها را بنا می کند. زن در منزل می ماند تا کارهای خانه و کوچکتر را انجام دهد. زن زورش را به نمایش نمی گذارد. نمایانند زور برای او غدغن نشد ولی [به نوعی] او را از این کار بازداشته اند.» (ص ۲۷)

او سپس با انجام برخی مقایسه ها میان زن و مرد نتیجه می گیرد که میان این دو تفاوتی از نظر قدرت بدنی وجود ندارد. در حالی که تفاوت های فیزیکی و زیست شناختی میان مرد و زن انکارناپذیر است. چرا که اساساً ترکیب ژنی آنها متفاوت است و براساس مطالعات انجام گرفته در زیست شناسی، پسرها از همان کودکی ماهیچه هایی قوی تر از دخترها دارند و پس از بلوغ این تفاوت محسوس تر می شود. لذا طرح این مساله و تأکید بر آن به دور از منطقی است که بن سعدون در سراسر کتاب به آن وفادار مانده است.

### بررسی کتاب:

۱- از نکات مثبت کتاب، اشاره به اسطوره هایی خاص در ضمیر مردم (حتی خود زنان) است که دستیابی به تساوی حقوق را به تعویق می اندازد. به عقیده مؤلف، بیشتر تمدن ها زمانی به یکی یا چند تا از این اسطوره ها متوسل می شوند. او برای نمونه جمله زیر را از زنی به نام مادام دوستایل نقل می کند: «حق داشتند که زنان را از کارهای عمومی و مدنی حذف کنند، چرا که هیچ چیز به اندازه همه چیزهایی که به آنان یک ارتباط رقابتی با مرد را می دهد با تمایل طبیعی ایشان مغایرت ندارد و شهرت و افتخار نیز برای زن چیزی نیست مگر مرثیه ای درخشان از سوگ خوشبختی» (ص ۳۱-۳۲)

۲- نویسنده ذیل عنوان «اسطوره ناتوانی» می نویسد:

«مرد می خواهد پشتیبان زن باشد، او کارهایی